

## در جست‌وجوی مفاهیم و مولفه‌های سکونت در معماری (از منظر اندیشه‌های مارتین هایدگر، کریستیان نوربرگ شولتز و معماران معاصر غرب)

سعید قاسمی<sup>۱\*</sup>، سید نادر ضیائی<sup>۲</sup>، نوید جلائیان قانع<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> پژوهشگر دکتری، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. نویسنده مسئول.  
<sup>۲</sup> مربی، گروه معماری، واحد خراسان رضوی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، مشهد، ایران.  
<sup>۳</sup> پژوهشگر دکتری، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷

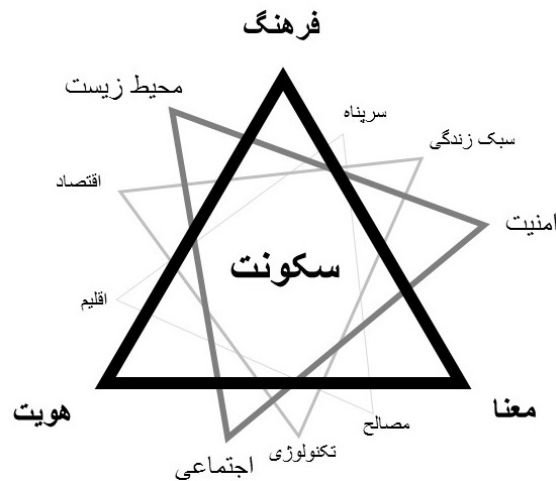
### چکیده

انسان امروزی با بحران‌های فرهنگی، اجتماعی و محیط‌زیستی بسیاری روبه‌رو است. یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد این بحران‌ها در حوزه معماری و شهرسازی، بنابر سکونت نامطلوب انسان بر روی کره زمین بروز یافته است که ذیل مفهومی کلی با عنوان «بحران سکونت» بدان پرداخته‌اند. آغاز سکونت انسان را می‌توان به سکنی‌گزیدن انسان‌های بدوی در غارها و تلاش آن‌ها برای رسیدن به مولفه‌هایی همچون امنیت و آسایش محیطی نسبت داد، اما مادامی که از زمان حضور آدمی بر روی کره خاکی در اعصار مختلف می‌گذرد سکونت به امر پیچیده و گسترده‌تری تبدیل شده است. از این رو شناخت و فهم دقیق نسبت به مفهوم سکونت و مولفه‌های تاثیرگذار آن اعم از عوامل فیزیکی، ذهنی و روانی، در مسیر ارتقا کیفیت زندگی انسان حائز اهمیت است. به این منظور هدف این پژوهش ارائه چارچوب مفهومی برای فهم بهتر مولفه‌های سکونت در معماری از منظر صاحب‌نظران حوزه سکونت است. پژوهش حاضر با روش تحقیق کیفی و با تکیه بر راهبرد استدلال منطقی انجام پذیرفته است. نخست، به گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی در آرای صاحب‌نظران منتخب (مارتین هایدگر، کریستیان نوربرگ شولتز، آموس راپاپورت، ریچارد راجرز، کریستوفر الکساندر، چارلز جنکس، رابرت ونتوری) پرداخته شده است سپس با روش تحلیل محتوای کیفی، مولفه‌های سکونت از منظر صاحب‌نظران استخراج شده و با استدلال منطقی و مقایسه آرا صاحب‌نظران با یکدیگر به ارائه مدل مفهومی در باب سکونت پرداخته شده است. در این پژوهش ۵۴ مولفه حائز اهمیت برای سکونت از منظر صاحب‌نظران استخراج گردید که با تطبیق این مولفه‌ها و دسته‌بندی آن‌ها، در شش گروه کلی ساماندهی شدند. این آرا و نظرات در طیفی از مباحث «مفهومی/نظری» تا «کالبدی/ عملی» قرار می‌گیرند و هرچه از جنبه‌های عینی و کمی به سمت جنبه‌های ذهنی و کیفی به صورت توأمان با هم حرکت می‌شود می‌توان اعتلای کیفیت طراحی معماری و سکونت انسان را شاهد بود.

واژگان کلیدی: مفهوم سکونت، مولفه‌های سکونت، انسان، محیط، مکان.

## مقدمه

عام‌ترین و ابتدایی‌ترین تعریف سکونت، اسکان انسان در محیط است. بر طبق این تعریف تاریخچه سکونت به ابتدای پیدایش آدمی بر روی کره خاکی برمی‌گردد. آغاز سکونت انسان را می‌توان به سکنی‌گزیدن انسان‌های بدوی در غارها و تلاش‌های آن‌ها برای رسیدن به مولفه‌هایی همچون امنیت و آسایش محیطی نسبت داد. اما هرچه از زمان حضور آدمی بر روی کره خاکی گذشته است سکونت به امر پیچیده و گسترده‌تری تبدیل شده است. تقسیم دوره‌هایی همچون: عصر غارنشینی، عصر کشاورزی، عصر صنعت و ... همگی به مولفه‌هایی اشاره دارند که ذیل نحوه سکونت آدمی بر کره زمین است. به معنایی گسترده سکونت به معنای تمامی مولفه‌های تاثیرگذار بر انسان اعم از عوامل فیزیکی، ذهنی و روانی می‌باشد. بنابراین کمتر مسئله‌ای را می‌توان یافت که رابطه‌ای با سکونت نداشته باشد. اگرچه که برخی مولفه‌ها نقش مهم‌تری را ایفا می‌نمایند.



تصویر ۱: تعدادی از عوامل تاثیرگذار بر سکونت (نگارندگان)

رابطه ناگسستنی و پیوند عمیق سکونت با مفاهیمی همچون مکان، فضا و محیط باعث شده است تا معماری به یکی از زمینه‌های مهم در رسیدن به مفهوم سکونت تبدیل شود. سکونت سطوح و مراتبی دارد که از جمله آن می‌توان به سکونت فیزیکی، سکونت ذهنی، سکونت خیالی و... اشاره نمود. تناظر این مراتب با انسان و محیط باعث می‌گردد تا برای رسیدن به درکی عمیق از سکونت، پرداختن به زمینه‌های فلسفی پیرامون سکونت اجتناب‌ناپذیر گردد. در سیر فلسفه کمتر فیلسوفی هم‌تراز با مارتین هایدگر<sup>۱</sup> می‌توان یافت که به طور مستقیم درباره سکونت، اندیشه‌هایش را بیان کرده باشد. کریستیان نوربرگ شولتز<sup>۲</sup> عموماً به عنوان نماینده نگرش هایدگری در معماری شناخته می‌شود. شولتز خود نیز در آثارش به بهره‌گیری از اندیشه‌های هایدگر در معماری اشاره می‌نماید. بنابراین شناخت و بررسی اندیشه‌های شولتز پیرامون سکونت در درک مفهوم سکونت بسیار مهم خواهد بود. در ادامه، با توجه به گستردگی مولفه‌های سکونت به نظرات صاحب‌نظران تاثیرگذار در معماری پرداخته و مولفه‌های سکونت در این نگرش‌ها جست‌وجو خواهند شد. این کار باعث دستیابی به نگاهی جامع در زمینه سکونت شده، که از یک سو پای در زمینه‌های نظری و فلسفی دارد و از سویی دیگر با زمینه‌های عملی و معماری در پیوند است.

## ■ بیان مسئله

بحران‌هایی که امروز بشر با آن‌ها روبه‌روست با کمی تأمل در آمار صاحب‌نظران حوزه اقلیم و محیط زیست و یا دغدغه‌های جریان‌های فرهنگی و اجتماعی قابل فهم است. از جمله این بحران‌ها در مقیاس محیط زیست می‌توان به گرم شدن کره زمین، آلودگی شهرهای بزرگ، از بین رفتن سکونت‌گاه زیستی و انقراض انواع جانوری، بحران آب و در مقیاس فرهنگی می‌توان به بحران هویت، از بین رفتن فرهنگ‌های بومی، اضطراب وجودی و در مقیاس اجتماعی به اختلاف طبقاتی، فقر، عدم امنیت روانی و ... اشاره نمود. از این‌رو و با تأملی در آرا صاحب‌نظران می‌توان دریافت که مسیر طی شده دارای خطاهایی راهبردی بوده که برای حل آن نیاز به تبیین نگرش‌هایی بنیادین است. معماری و شهرسازی به عنوان تجسمی عینی از وضعیت موجود درگیر بحران‌های فرهنگی، اجتماعی و محیط زیستی هستند. در مقیاس محیط زیست سِر کریسپین تیکل<sup>۳</sup> می‌نویسد "شهرها قبل از هر چیز به مثابه ارگانسیم‌هایی هستند که منابع را می‌بلعند و مواد زائد تولید می‌کنند" (Tickell, 1997, vi). در مقیاس فرهنگی و هویتی کریستین نوربرگ شولتز می‌نویسد "امروزه با کثرت‌مداری‌ای در ابراز شخصیت‌های معماری روبه‌رویم. همه امکانات وجودی‌ای که در طی تاریخ تجربه شده است در اختیار ماست؛ اما یا از دیدن آن‌ها عاجزیم یا مجموعه قلیلی از معانی را برگزیده‌ایم و بر این باوریم که حقیقت مطلق را یافته‌ایم" (شولتز، ۱۳۸۹، ۵۴۷) و در مقیاس اجتماعی ریچارد راجرز<sup>۴</sup> اشاره می‌کند که "در جهان توسعه‌یافته، فقرا از چرخه جامعه مصرفی و از پیکره اجتماع بیرون رانده شده‌اند و در بطن شهرها در زاغه‌های وحشتناک، به گوشه عزلت نشسته‌اند؛ درحالی‌که در شهرهای کشورهای در حال توسعه، این بخش از جامعه در حلبی‌آبادهای حاشیه شهرها انباشته شده و بدون وقفه بر تعداد آن‌ها افزوده می‌گردد. در این صورت شهرها باعث عدم ثبات اجتماعی فاجعه باری شده‌اند" (Rogers, 1997, 7). اگر مفهوم سکونت در کلی‌ترین بُعد آن در نظر گرفته شود، بحران‌های یاد شده بدون شک ارتباط مستقیمی با نحوه سکونت آدمی بر روی کره زمین دارند. به عبارت دیگر چنین سکونتی در ایجاد این بحران‌ها بی‌تأثیر نیست. سکونتی که در آن به نیازهای انسان متناسب با ابعاد وجودی آدمی، ارتباط صحیح و مسالمت‌آمیز با محیط زیست، حفظ هویت‌های فردی و اجتماعی و ... توجهی نداشته باشد طبعاً به گسست میان انسان و محیط پیرامونش منجر خواهد شد. کشور ایران نیز به عنوان کشوری در حال توسعه با عمده بحران‌های سکونتی روبه‌رو است. بحران‌های سکونتی و زیست‌محیطی به مراتب در کشورهای در حال توسعه مانند ایران بیش از کشورهای توسعه یافته است. تاراج محیط، تولید مواد آلاینده، تشویق و رشد مصرف‌گرایی، رشد و توسعه‌ی ناموزون محیط و شهرها، نقش سوداگری و سرمایه در جهت سود اندوزی سریع و معضلات ناشی از آن در جهان توسعه نیافته به مراتب از جوامع صنعتی بیشتر است. همه این بحران‌ها را می‌توان در ارتباط با معماری و شهرسازی ذیل مفهومی کلی با عنوان «بحران سکونت» تبیین کرد. در چنین شرایطی شناخت و فهم دقیق نسبت به مفهوم سکونت و مولفه‌های تأثیرگذار آن در مسیر ارتقا کیفیت زندگی انسان حائز اهمیت است. به این منظور مدل مفهومی برای سکونت می‌تواند به فهم بهتر و در جهت حل بسیاری از بحران‌های حال حاضر بشر کمک کند.

## ■ سوالات تحقیق

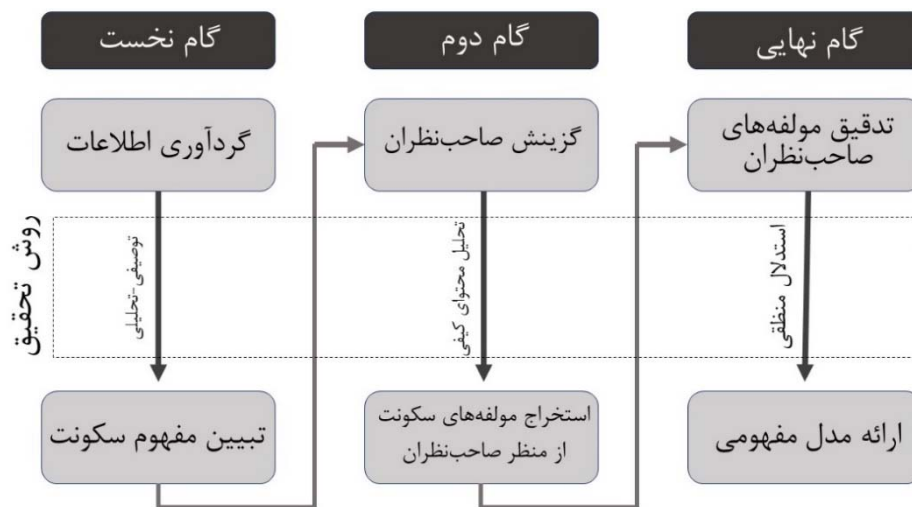
سوال اصلی که پژوهش در ابتدا با آن مواجه بوده، عبارت است از «مفهوم سکونت چیست؟»؛ که برای دستیابی به پاسخ آن، سوال فرعی دیگری مطرح می‌شود و آن این است که: «مولفه‌های سکونت از منظر صاحب‌نظران کدام‌ها هستند؟».

## اهداف پژوهش

هدف این پژوهش ابتدا رسیدن به تعریف مفهومی «سکونت» و سپس جست‌وجو در رابطه با مولفه‌های اساسی سکونت از منظر صاحب‌نظران است. به‌طوری که این مولفه‌ها پاسخگوی نیازهای اساسی انسانی باشند و در عین حال زمینه‌ساز سکونتی مطلوب را فراهم کنند.

## روش تحقیق

این پژوهش از سه گام کلی تشکیل شده است. گام نخست به دنبال تبیین مفهوم سکونت است. از این‌رو جمع‌آوری اطلاعات به روش اسنادی صورت پذیرفته است و سپس به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل یافته‌های مطالعاتی اقدام می‌شود. گام دوم به شناسایی مولفه‌های سکونت از منظر صاحبان اندیشه اختصاص دارد. از این‌رو ابتدا صاحب‌نظران اصلی گزینش شده‌اند. سپس نظرات آنان به روش تحلیل محتوای کیفی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند و مولفه‌های سکونت از منظر هر یک استخراج می‌شوند. در گام سوم ضمن تدقیق مولفه‌های سکونت با روش استدلال منطقی، این مولفه‌ها به صورت یک چارچوب مفهومی در باب سکونت از منظر این تحقیق ارائه می‌شوند.



تصویر ۲: گام‌های پژوهش (نگارندگان)

با توجه به دسته‌بندی‌های هفت‌گانه روش تحقیق در معماری مبتنی بر اندیشه‌های لیندا گروت و دیوید وانگ در کتاب «روش تحقیق در معماری» و شاهین حیدری در کتاب «درآمدی بر روش تحقیق در معماری»، در این مقاله از روش تحقیق کیفی استفاده شده است (حیدری، ۱۳۹۵، ۱۸۹-۱۸۸؛ گروت و وانگ، ۱۳۹۴، ۱۹۹-۱۷۳).

همان‌طور که در تصویر (۲) ملاحظه می‌شود، این پژوهش ابتدا با تبیین مفهوم سکونت از منظر هایدگر آغاز شده و سپس از طریق کریستیان نوربرگ شولتز که مهم‌ترین نظریه‌پرداز در تبیین نظریات فلسفی هایدگر در معماری است، ادامه خواهد یافت. این نوشتار برای جامعیت بیش‌تر در طیفی وسیع از معماران، نظریه‌پردازان و معماران عمل‌گرا به دنبال مولفه‌های سکونت در معماری است و پس از آن از طریق تحلیل کیفی به جمع‌بندی یافته‌های

تحقیق که همان مولفه‌های سکونت از منظر صاحب‌نظران است، می‌پردازد. در آخر از طریق استدلال منطقی تلاش می‌شود تا مدل مفهومی از سکونت تبیین شود.

## ■ مبانی نظری

### ■ مفهوم سکونت

اندیشه‌های هایدگر پیرامون سکونت از بنیادی‌ترین اصولی است که تا به حال بر سکونت نگاشته شده است. مارتین هایدگر در سال ۱۹۱۶ دستیار هوسرل<sup>۵</sup>، فیلسوف و سردمدار رشته پدیدارشناسی<sup>۶</sup> در فلسفه، بود. هایدگر نوشته‌های او را مطالعه کرد و در نهایت در سال ۱۹۲۸ جانشین هوسرل در کرسی پراعتبار او در دانشگاه فرایبورگ<sup>۷</sup> شد. از دیگر صاحب‌نظران در رشته پدیدارشناسی می‌توان به ژان پل سارتر<sup>۸</sup> و مرلوپونتی<sup>۹</sup> اشاره نمود. برای درک نحوه پرداختن به مفهوم سکونت توسط هایدگر، شناخت زمینه‌های بینشی و باورهای وی گریزناپذیر است. دانشنامه فلسفه استنفورد پدیدارشناسی را این‌گونه تعریف می‌نماید: "رشته پدیدارشناسی را می‌توان بدوا بررسی ساختارهای تجربه یا آگاهی تعریف کرد. پدیدارشناسی به معنای تحت‌اللفظی‌اش، شناخت یا بررسی «پدیدارها»ست: شناخت نمودهای [یا ظهورات] چیزها، یا چیزها آنچنان که در تجربه ما نمودار می‌شوند، یا آنحایی که ما چیزها را تجربه می‌کنیم، و از این قرار معناهایی که چیزها در تجربه ما دارند. پدیدارشناسی تجربه آگاهانه را آن چنان که از منظر سوژکتیو یا اول شخص تجربه می‌شود موضوع بررسی قرار می‌دهد" (اسمیت، ۱۳۹۳، ۱۳). "پدیدارشناسی با هوسرل جای خودش را پیدا کرد، اما هایدگر، آرای خاص خودش را در پدیدارشناسی داشت. اختلاف اصلی هایدگر با هوسرل این بود که هایدگر بر خلاف هوسرل که به دنبال «آگاهی ناب» بدون هیچ آگاهی پیشینی، بود" (میتروویچ، ۱۳۹۸: ۱۸۴) بر این باور است که ما و فعالیت‌هایمان همواره در جهان هستیم. هستی ما در جهان - بودن - است. بنابراین، فعالیت‌هایمان را با قرار دادن جهان در پرانتز بررسی نمی‌کنیم، بلکه این فعالیت‌ها و معنایی را که چیزها برایمان دارند با نظر کردن به مناسبات زمینه‌ای خویش با چیزها در جهان، تفسیر می‌کنیم. در واقع هایدگر بر این باور بود که "نمی‌توانیم ادعای دستیابی به نگاهی بی‌غرضانه و «بدون پیش فرض» نسبت به چیزها داشته باشیم؛ درک ما از چیزها «همواره از پیش» توسط درک پیشینی‌مان تعیین یافته است" (Mitrović, 2011, 122). هایدگر این مفهوم را «دازاین»<sup>۱۰</sup> می‌نامد.

این اختلاف از آنجا برای معماران و مفهوم سکونت مهم است که محل تلاقی نوربرگ شولتز با پدیدارشناسی است. شولتز با انتخاب هایدگر در این اختلاف، با گرایش وی به تفکر پدیدارشناسی در معماری می‌پردازد. او در کتاب «نیات در معماری» (Schulz, 1968)، عنوان می‌کند که برداشت از آثار معماری (و هر چیز دیگر) از دانش از پیش موجود انسان پیرامون چیزهای مورد ادراکش، جدایی‌ناپذیر است؛ بنابراین، برداشت آدمی در واقع شناخت چیزهایی است که از پیش به واسطه تجربه آن‌ها را می‌شناسد. بنابراین در تجلی اندیشه‌های هایدگر در ساخت محلی برای سکونت در معماری توجه به مباحثی همچون، خاطرات ذهنی ساکنین، المان‌ها و نمادهای خاطره‌انگیز برای ساکنین و ابعاد شاعرانگی فضا بسیار مهم خواهند بود. بنا بر تعریف پدیدارشناسی تجربه مستقیم در سکونت در مکانی در معماری مبتنی بر اندیشه هایدگر از اهمیت بالایی برخوردار است. این تجارب اگر با خاطرات ذهنی مخاطبان مطابق باشد با تجلی سطوح معنایی در سکونت همراه خواهد بود. این سطح از سکونت می‌تواند به ایجاد پیوند و حس تعلق به مکان تبدیل گردد.

سکونت از منظر هایدگر امری پیچیده و چند وجهی است. اصلی ترین مقاله هایدگر در باب سکونت، مقاله «ساختن، سکنی گزیدن، اندیشیدن» (Heidegger, 2001, 141-160) است. هایدگر نخست این مقاله را برای همایش آماده کرد و سپس در سال ۱۹۵۴ چاپ شد. با توجه به اهمیت جایگاه تجربه در مبانی فکری هایدگر، از موضوعات مهمی که در این مقاله به آن پرداخته شده، رابطه میان «ساختن» و «سکنی گزیدن» است. در این مقاله هایدگر عنوان می کند که «سکنی گزیدن، برای ایجاد آرامش بین فرد و جهان صورت گرفته و با ساختن شکل می گیرد» (کرمی و حسین پور، ۱۳۹۹، ۱۸۸). بنابراین مفهوم و هدف سکونت در نظر هایدگر رسیدن به تعادل و آرامش برای انسان است. اساسا به اعتقاد هایدگر «رابطه انسانی با مکان ها به واسطه سکونت، شکل می گیرد» (Mitrović, 2011, 130)؛ میتروویچ، ۱۳۹۸، ۱۹۷).

هایدگر معتقد بود آدمی قبل از ادراک و اندیشیدن با این حقیقت روبه رو است که هست و هستی دارد و سکنی گزیدن را راهی برای ابراز بودن می داند. هایدگر معتقد است: «راهی که توسط آن شما هستی و من نیز هستم روشی که نوع بشر بر روی زمین هستی می یابد، سکنی گزیدن است» (Sharr, 2007, 40). بنابراین سکونت و هستی دو مولفه مهم در اندیشه هایدگر است که بر این مبنا سکونت حقیقی سکونتی است که انسان در آن هستی خویش را ادراک نماید.

جدول ۱: مولفه های سکونت از منظر مارتین هایدگر (نگارندگان)

صاحب نظر	مولفه های سکونت
مارتین هایدگر	ادراک هستی خویش توسط انسان رسیدن انسان به آرامش

کریستیان نوربرگ شولتز همراه با هایدگر در کتاب مهم خود، «مفهوم سکونت»، سکونت را فراتر از سقفی بر بالای سر و به زیر پا آمدن چند متر مربعی زمین می داند. شولتز در طبقه بندی سکونت، چهار شیوه سکونت را در سه مرتبه نام می برد. دیدار با دیگران، توافق با دیگران و یافتن موجودیت (Norberg-Schulz, 1985, 7).

#### • دیدار با دیگران:

شولتز دیدار با دیگران را به معنای «آهنگ دادوستد تولیدات، اندیشه ها و احساسات، یعنی آزمودن زندگی به عنوان عرصه امکانات گوناگون» (نوربری-شولتز، ۱۳۹۶، ۹) تعریف می کند و شیوه این مرتبه را سکونت «مجتمع» می نامد. او مکان سکونت مجتمع را «آبادی یا فضای شهری» می داند. آبادی و فضای شهری در اندیشه شولتز «صحنه رخداد سکونت طبیعی» است. وی در تعریف آبادی می نویسد: «آبادی به عنوان مکان برای چهره به چهره شدن عمل می کند، جایی که انسان ها در آن به مبادله فرآورده های مصنوع، اندیشه ها و احساسات خود با یکدیگر می پردازند. [در این سطح از سکونت] دیدار الزاما بیانگر توافق نبوده و در اصل به معنای گرد هم آمدن مردم با تمامی اختلافات ایشان می باشد» (نوربری-شولتز، ۱۳۹۶، ۱۸).

#### • توافق با دیگران:

شولتز توافق با دیگران را به معنای «پذیرش مجموعه ای از ارزش های مشترک» تعریف می کند و شیوه این مرتبه را «عمومی» می نامد. شولتز مکان سکونت عمومی را «نهاد» می داند. نهاد در اندیشه او «مکانی با ارزش های مشترک در منصفه ظهور» است. شولتز در تعریف این مرتبه از سکونت و تفاوت آن با مرتبه اول در سکونت می نویسد: «توافق بیانگر ارزش ها و منافع مشترک بوده و بنیادهای عضویت اجتماعی و جامعه را می افکند. علاوه بر این، توافق می باید

نیت دستیابی به یک دیدارکده عمومی یا مکانی که ارزش‌های مشترک در آن نگهداری شده و به منصفه ظهور می‌رسند را نیز در خود بگنجانند. چنین جایی را معمولاً نهاد یا بناهای عمومی نامیده‌اند. از این رو، شیوه سکونتی را که در خدمت آن قرار می‌گیرد می‌توان به یاری واژه «عمومی» مبنی بر آن چه که جامعه و عموم در آن سهیم‌اند، سکونت عمومی خوانند. از آنجا که بنای عمومی مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها را در خود می‌گنجانند باید در قالب «توضیحی» که روشن‌گر جهان عام و مشاع است ظاهر گردد" (نوربری-شولتز، ۱۳۹۶، ۱۹).

#### • یافتن موجودیت:

شولتز یافتن موجودیت را به معنای "گزینش جهان کوچک و از آن خود" تعریف می‌کند و شیوه این مرتبه را سکونت «خصوصی» می‌نامد. او مکان این سکونت را «خانه» می‌داند. خانه در اندیشه وی "پناهگاه یا مکانی که خاطرات تشکیل‌دهنده جهان خصوصی آدمی را در خود گرد آورده و به نمایش می‌گذارد" است. شولتز در تعریف این مرتبه از سکونت می‌نویسد: "گزینش‌های خصوصی‌تر نیز وجود داشته و وجود هر فرد از جریانی ویژه و مختص به خود پیروی می‌کند. لذا سکونت، آن گوشه‌گیری که لازمه شکل‌گیری و پرورش هویت ویژه فردی است را نیز شامل می‌شود. این شیوه را می‌توان سکونت خصوصی نامید. گوشه‌گیری در اینجا مبادرت ورزیدن به عملی نامتعارف به شمار نیامده بلکه معرف عقب‌نشینی و در حاشیه قرار گرفتن می‌باشد" (نوربری-شولتز، ۱۳۹۶، ۱۹).

شولتز جمع «دیدار با دیگران، توافق با دیگران، یافتن موجودیت» را مراتب سکونت، جمع «عمومی / طبیعی، مجتمع، خصوصی» را مراتب هستی و بودن و جمع «آبادی/فضای شهری، نهاد، خانه» را مراتب محیط کل تعریف می‌کند. از این رو در جدول ۲ می‌توان مفهوم سکونت و مراتب آن در نگاه شولتز را خلاصه کرد.

جدول ۲: مفهوم سکونت و مراتب آن از منظر شولتز (نگارندگان)

مراتب سکونت	مراتب هستی و بودن	مراتب محیط کل
دیدار با دیگران	عمومی / طبیعی	آبادی / فضای شهری
توافق با دیگران	مجتمع	نهاد
یافتن موجودیت	خصوصی	خانه

در جایی دیگر شولتز سکونت را چنین تعریف می‌کند: "سکونت بیانگر تعیین موقعیت و احراز هویت است" (اصلانیان و دیگران، ۱۳۹۹، ۳۵؛ کشفی و دیگران، ۱۳۹۳، ۷۲). شولتز احراز هویت را برقراری پیوندی سرشار از معنا با جهانی متشکل از چیزها می‌داند. او مانند هایدگر معتقد است سکونت زمانی به هدف خود خواهد رسید که انسان بتواند در مکان، بودن و هستی خویش را ادراک نماید. یعنی به بالاترین مرتبه سکونت که همانا یافتن موجودیت است، دست یابد. در نگاه وی زمانی این امر رخ می‌دهد که انسان، مسکن گزیده و در نتیجه جایگاه خود در جهان را تثبیت کرده باشد. شولتز می‌نویسد: "برای آزمودن پرمعنای هستی باید از مکان خود و از چگونگی قرار گرفتن خود در آن آگاه بود" (نوربری-شولتز، ۱۳۹۶، ۱۰). بنابراین سکونت از منظر شولتز با مفاهیمی همچون، تعیین موقعیت، احراز هویت، یافتن هستی و ... در ارتباط است. او معتقد است پس از آنکه این مفاهیم تحقق یابند و "هنگامی که سکونت به مرحله قطعی خود رسد آن گاه به آرزوی خود برای داشتن احساس تعلق و همیاری جامه عمل پوشانده‌ایم" (نوربری-شولتز، ۱۳۹۶، ۱۰). علاوه بر این‌ها شولتز در جایی دیگر سکونت را به منزله پیوند میان انسان و محیط می‌داند و می‌نویسد: "سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد. این پیوند از تلاش برای هویت یافتن، یعنی، به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است. بدین ترتیب، انسان زمانی بر خود وقوف



می‌یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تثبیت کرده باشد" (نوربری-شولتز، ۱۳۹۶، ۱۷؛ یزدانفر و پرتوی‌فر، ۱۳۹۹، ۲۶).

جدول ۳: مولفه‌های سکونت از منظر کریستیان نوربرگ شولتز (نگارندگان)

صاحب‌نظر	مولفه‌های سکونت
کریستیان نوربرگ شولتز	احراز هویت پیوند سرشار از معنا با جهان پیرامون ادراک هستی در مکان ادراک نحوه قرارگیری در مکان احساس تعلق به مکان تثبیت هستی خویش در جهان

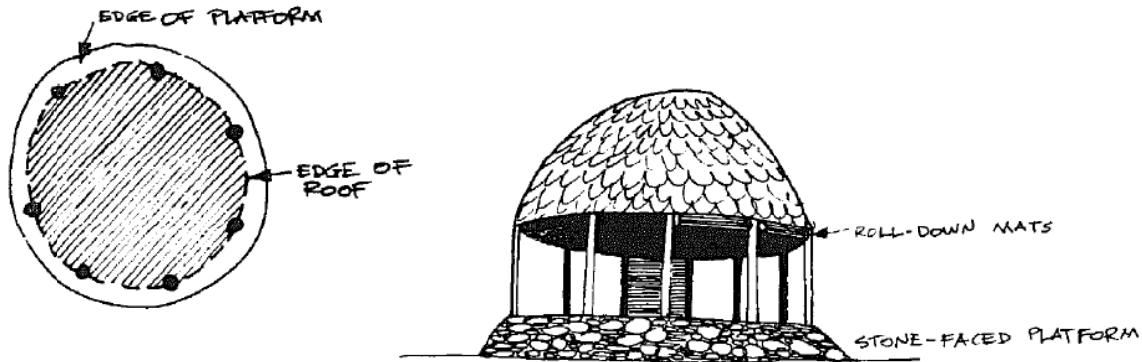
آموس راپاپورت<sup>۱۱</sup> نیز از دیگر معمارانی است که در دهه‌های اخیر به مقوله مسکن و مفهوم سکونت پرداخته است. راپاپورت ضمن ارزش قائل بودن برای دیگر مولفه‌ها در فهم سکونت، باور دارد که مهم‌ترین مولفه سکونت مقوله فرهنگ است. او مولفه‌های دیگری از جمله اقلیم، تکنولوژی، شیوه ساخت، سایت، اقتصاد و مذهب را در شکل‌گیری یک واحد سکونتی دخیل می‌داند اما معتقد است فرهنگ در بالادست همه این مولفه‌ها تعریف‌کننده شیوه سکونت است که در آن مفهوم و معنای سکونت حقیقی هر منطقه‌ای را می‌توان یافت. راپاپورت در کتاب تاثیرگذار خود با نام «انسان شناسی مسکن (۱۹۶۹)» نگاهی متفاوت به معماری بومی ارائه می‌کند و عقیده دارد معماری بومی به خوبی نشان‌دهنده مفهوم سکونت در نگاه ساکنان هر منطقه است. او با سفرهای بسیار به مناطق بومی سرزمین‌ها به گفته خودش به دنبال امور ثابت در گذر زمان‌هاست تا بتواند به اصولی پایدار و تعمیم‌پذیر در معماری و سکونت دست یابد. راپاپورت با مطرح کردن معضل جبرباوری به طور عام و جبر فیزیکی به طور خاص به رد نگاه ساده‌انگارانه که سکونت را مرتبط با یک عامل تاثیرگذار می‌داند به تاثیر فرهنگ به معنای عام آن بر مفهوم سکونت می‌پردازد و معتقد است تاثیر فرهنگ در شکل‌گیری سکنی‌گزیدن انسان‌ها به معنای در نظر گرفتن پیچیدگی‌های انسانی و مکانی در رابطه متقابل انسان، فرهنگ و محیط بسیار مهم است (Rapoport, 1969). به همین دلیل خانه در معماری بومی برای راپاپورت به عنوان بهترین نمونه برای فهم دقیق فرهنگ سازندگان آن، از جایگاه مهمی برخوردار است.

راپاپورت معتقد است که مطالعه بنای خودجوش بیشتر از معماری طراحی شده به وسیله معمار ضروری است (راپاپورت، ۱۳۹۵). زیرا نقش فرهنگ در این نوع سکونت بیشتر از معماری نخبه‌گرا و شاخص که عمدتاً معماران آکادمیک به دنبال آن بودند، قابل ردیابی است. البته راپاپورت اشاره می‌کند که با اینکه عامل فرهنگ نقش مهمی در شکل‌گیری سکونت دارد اما نباید مفهوم سکونت را امری تک‌ساحتی دانست و توجه به عوامل پیچیده و متعدد، راه رسیدن به فهم سکونت حقیقی خواهد بود.

در بخشی از کتاب انسان‌شناسی مسکن راپاپورت چهار مولفه را برای رسیدن به سکونت کامل نام می‌برد: اول، باید از نظر اجتماعی و فرهنگی قابل قبول باشد. دوم، می‌بایست به اندازه کافی ارزان باشد تا بیشترین تعداد افراد توان مالی بهره‌مند شدن از آن را داشته باشند. سوم، باید حفظ سلامت ساکنین خود را تضمین کند. چهارم، در طول عمر خود باید به حداقل نگهداری نیاز داشته باشد (راپاپورت، ۱۳۹۵، ۱۸۰). او بر این باور است که مسکن



بومی [سنتی] واجد این مولفه‌ها است و می‌توان الگوهای را برای سکونت امروز در آن‌ها یافت. راپاپورت معتقد است «مسکن سنتی بیش از آن‌که فکر می‌کنیم، می‌تواند مورد قبول - و حتی مطلوب - باشد و در کشورهای در حال توسعه، در صورت امکان، نگاه‌ها نسبت به مسکن باید با مسکن سنتی هماهنگ گردند» (راپاپورت، ۱۳۹۵، ۱۸۱). برای مثال زمانی که راپاپورت خانه بومی ساموآن را شرح می‌دهد، می‌توان نگاه وی به سکونت مطلوب را دریافت. او می‌نویسد: «خانه ساموآن»<sup>۱۲</sup> نمونه حداقل سرپناهی که اقلیم ایجاب می‌کند را نشان می‌دهد. این خانه گرد است (که شاید دلایل سمبلیک داشته باشد) و از حلقه‌ای از ستون‌ها و سقفی مخروطی تشکیل شده است. کف خانه از مصالحی متفاوت از خارج خانه ساخته شده که خود را از فضای پیرامون متمایز می‌کند. به نخیایی که در سراسر خانه کشیده شده‌اند، پشه‌بندهایی آویخته شده که ساکنین را از حشرات مصون می‌دارد. هریک از این خانه‌ها چیزی نیست جز تفکیک فضایی نسبت به فضای بیرون. جزایر مارکینز از نظر اقلیمی چنین خانه‌هایی را اقتضا می‌کنند؛ ولی بناهایی با ساختار بسیار پیچیده و استادانه شکل گرفته است، تفاوتی که به عوامل فرهنگی [هم] بازمی‌گردد (راپاپورت، ۱۳۹۵، ۸۴).



تصویر ۳: خانه ساموآن از کتاب انسان‌شناسی مسکن نوشته راپاپورت (Rapoport, 1969, 53).

اگر با دقت به خانه ساموآن و مفهوم سکونت از منظر راپاپورت نگاه شود می‌توان مولفه‌های زیر را به عنوان مولفه‌های سکونت از منظر آموس راپاپورت نام برد.

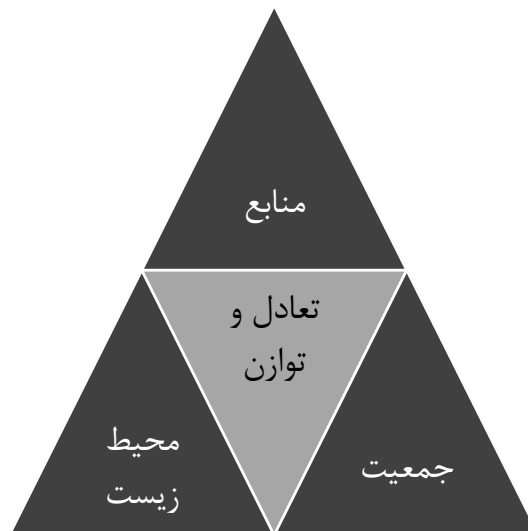
جدول ۴: مولفه‌های سکونت از منظر آموس راپاپورت (نگارندگان)

صاحب‌نظر	مولفه‌های سکونت
آموس راپاپورت	همه‌انگهی اجتماعی و فرهنگی با زمینه ارزان بودن توانایی بهره‌مندی همه افراد جامعه تضمین سلامت ساکنین حداقل نیاز به نگهداری در طول سکونت امکان توسعه و پذیرش تغییرات آمیزش با سایت و اقلیم احترام به سکونت دیگر افراد

پایداری نیز از دیگر جنبه‌های سکونتی است که مولفه‌های مهمی را در مفهوم سکونت ارائه می‌کند. پایداری به طور عام و معماری و شهرسازی پایدار به طور خاص از جمله گرایش‌هایی است که در نقد استفاده بی‌رویه دوران معاصر

و به خصوص در عصر صنعت از منابع کره زمین و مشکلات زیست‌محیطی شکل گرفته است. سکونت پایدار از مولفه‌های مهم سکونتی است که علاوه بر ایجاد امکان سکونت با کیفیت در حال حاضر، مولفه‌هایی برای از بین رفتن زمینه‌ها و امکانات سکونت برای آیندگان ارائه می‌نماید. از جمله بحران‌های سکونتی ذیل پایداری محیط زیست می‌توان به "گرم شدن کره زمین، ذوب شدن یخ‌های مناطق قطبی، پیشرفت کویر، باران‌های اسیدی و ... اشاره نمود که [اولین] ماهواره در سال ۱۹۵۷ م، بر همه آشکار کرد و نگاه به توسعه، شهر و شهرسازی را دگرگون نمود" (راجرز، ۱۳۹۸، ۶).

راجرز<sup>۱۳</sup> پایداری را این‌گونه تعریف می‌نماید: "پایداری، یافتن روش‌های تولید و توزیع منابع موجود به گونه‌ای است که به لحاظ اجتماعی منسجم، به لحاظ اقتصادی موثر و کارا و از نظر زیست‌محیطی سالم باشند. پایدار بودن عبارت است از محافظت از کیفیت زندگی با شناخت ارزش‌های مشترک زیست‌محیطی و اجتماعی و به رسمیت شناختن وابستگی‌های مشترکمان به این دو. این سیاره می‌تواند به بهترین وجه ممکن به تمام نیازهای بشریت پاسخ دهد، اگر ما خواسته‌های طبیعت را محترم بشماریم و بر استفاده از فناوری متمرکز شویم" (راجرز، ۱۳۹۸). راجرز رسیدن به سکونتی مطلوب را، سکونتی پایدار می‌داند. او در سال ۲۰۰۸ م، کتابی با نام «شهرهای پایدار» می‌نویسد که در آن به موضوع پایداری در شهرسازی و معماری می‌پردازد. وی معتقد است، بقای جامعه و ادامه امکان سکونت با کیفیت وابسته به حفظ توازن و تعادل میان سه متغیر است: جمعیت، منابع و محیط زیست (راجرز، ۱۳۹۸، ۲۳) که در تصویر ۴ مشاهده می‌شود.



تصویر ۴: مدل سکونت پایدار از منظر ریچارد راجرز (راجرز، ۱۳۹۸، ۲۳)

اگرچه یکی از مولفه‌های مهم پایداری، پایداری محیط زیست است، اما پایداری در مفهوم عام خود به مباحثی مانند کیفیت سکونت، رابطه انسان و محیط، حس تعلق به مکان، تعادل و توازن اجتماعی، رفاه اقتصادی و ... پیوند خورده است. راجرز معتقد است "جهان به سوی جامعه‌ای فردگرا پیش می‌رود و بیش از پیش بر خودخواهی‌ها و جدایی‌ها تاکید می‌گمارد تا بر جمع‌گرایی‌ها و پیوندها" (راجرز، ۱۳۹۸، ۲۹) و به این ترتیب امکان رسیدن به سکونتی پایدار در همه جوانب را ناممکن می‌سازد. رنزو پیانو<sup>۱۴</sup> نیز که از همکاران ریچارد راجرز می‌باشد، درباره شهرسازی و معماری پایدار هم‌سو با راجرز بوده و در کتاب «نافرمانی معمار» معتقد است: "اندیشه رشد نامحدود، باعث گردیده که شهرها منفجر شوند و اجازه داده که غیرقابل تحمل‌ترین حومه‌های شهری ساخته شود. ... بعد از

جنگ در سال‌های ۱۹۶۰ شهرها با لگدمال کردن روستاها، روستاییان، بیلاقات، محلات و محدوده‌های اطراف خود منفجر شده و از هم پاشیدند ... بالاخره امروز بعد از مرتکب شدن آن همه گناه شروع به فهمیدن این مسئله کرده‌ایم که تنها راه رشد و توسعه، رشد و توسعه پایدار است" (پیانو، ۱۳۹۷).

راجرز در رابطه با شهر پایدار ذیل مفهوم «شهر متراکم» معتقد است: «شهر یک ماتریس پیچیده و متغیر از فعالیت‌های انسان و تاثیرات محیط می‌باشد. توسعه یک شهر پایدار، نیازمند درک عمیق روابط میان شهروندان، خدمات، سیاست‌های حمل‌ونقل و تولید انرژی از یک سو و تاثیرات کلی آن‌ها بر روی محیط زیست از سوی دیگر است. برای اینکه یک شهر واقعا پایدار باشد تمام این عوامل باید درهم آمیزند و در تعامل باشند. مادامی که در برنامه‌ریزی یک شهر، اکولوژی، اقتصاد و جامعه‌شناسی شهری در نظر گرفته نشوند شهری پایدار وجود نخواهد داشت» (راجرز، ۱۳۹۸، ۴۸). به این ترتیب راجرز مولفه‌های پایداری را برای رسیدن به سکونت حقیقی ضروری می‌داند. اگر به تئوری‌های نظری راجرز و همچنین مولفه‌های طراحی‌های او نگاه شود، می‌توان مولفه‌های جدول ۵ را به عنوان مولفه‌های سکونت از منظر وی بیان کرد.

جدول ۵: مولفه‌های سکونت از منظر ریچارد راجرز (نگارندگان)

صاحب‌نظر	مولفه‌های سکونت
ریچارد راجرز	<p>تعادل میان جمعیت، منابع و محیط زیست</p> <p>توجه به انرژی‌های پاک</p> <p>تعاملات اجتماعی مثبت</p> <p>پرهیز از مصرف‌گرایی</p> <p>توجه به نیازهای اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی</p> <p>درک رابطه شهروندان، خدمات، حمل‌ونقل و تولید انرژی</p> <p>توزیع عادلانه غذا، آموزش، بهداشت، امید و ...</p> <p>انعطاف‌پذیری و توانایی واکنش در برابر تغییرات</p> <p>به حداقل رساندن تاثیرات بر روی محیط‌زیست</p> <p>درهم آمیختگی فعالیت‌ها</p>

از دیگر صاحب‌نظرانی که در باب سکونت به ارائه نظر پرداخته است می‌توان به کریستوفر الکساندر<sup>۱۵</sup> اشاره نمود. الکساندر با مقاله «شهر درخت نیست» (۱۹۶۶)، معماران و شهرسازی همچون لکوربوزیه<sup>۱۶</sup> را نقد می‌کند. الکساندر معتقد است مدرنیست‌ها شهر را به چهار بخش کار، سکونت، اوقات فراغت و رفت‌وآمد تفکیک می‌کردند و بر این باور بودند که می‌بایست به هریک جداگانه پرداخت. در حالی که در نگاه صاحب‌نظران، ضرورت انعطاف‌پذیری، پرهیز از تفکر قطعیت‌گرا و دو قطبی (سیاه و سفید، خوب و بد، درست و نادرست ...) در رسیدن به سکونت باکیفیت آشکار شده است. الکساندر باور دارد که نگاه جبرگرایانه و میل انسان به ساده‌سازی امور که در تفکر مدرن و به ویژه در اصول بنیادین روانشناسی مدرن وجود دارد، برای سکونت خطرآفرین است (Alexander, 2015). او در این مورد با نگاه راپاپورت در عدم درختی بودن معماری هم‌نظر می‌باشد. پیش‌تر اشاره شد که راپاپورت معتقد است، استدلال‌های یک‌جانبه و تک‌بعدی یا روش‌های بررسی جزم‌اندیشانه مدرنیستی نمی‌توانند صور متفاوت و اشکال مختلف و متنوع معماری را بیان کنند.

الکساندر با ارائه نظریه «نیمه شبکه»<sup>۱۷</sup> در مقابل نگاه «درختی» توضیح می‌دهد که "من معتقدم یک شهر طبیعی دارای ساختار یک نیمه شبکه است، اما هنگامی که ما شهری را به صورت مصنوعی طراحی می‌کنیم، ساختار آن

درختی است". همچنين الكساندر در بحث از سکونت با نقدهای شولتز هم‌سو است و معتقد است در معماری و شهرهای مدرن، سکونت به معنای واقعی آن رخ نمی‌دهد. او می‌نویسد: "رواج این چشم‌انداز که ما می‌توانیم دنیا را تنها با استفاده از جعبه‌هایی از بتن و شیشه به مکانی مسکون تبدیل کنیم، معماران زیادی را نیز نگران کرده است" (الكساندر، ۱۳۹۳، ۲۴). الكساندر مانند دیگر منتقدان، معماری و شهرهای مصنوعی را خالی از مفاهیم اساسی انسانی می‌داند و می‌نویسد: "امروزه بیش از پیش به نظر می‌رسد که در شهرهای مصنوعی جای عنصری اساسی خالی است. در مقایسه با شهرهای کهن که زنگار زندگی بر آن‌ها نشسته، تلاش‌های مدرن ما برای خلق مصنوعی شهرها، از نظرگاهی انسانی، یکسر ناموفق است. توده مردمی که لزوماً در زمره شیفتگان هنر نیستند نیز عموماً هجوم همه‌جانبه ساختمان‌ها و شهرهای مدرن را به عنوان جزئی گریزناپذیر (اگر نگوئیم غم‌انگیز) از این حقیقت بزرگتر می‌دانند که جهان رو به تباهی است" (الكساندر، ۱۳۹۳، ۲۳). بنابراین به عقیده الكساندر سکونت حقیقی در ساختاری نیمه شبکه از یک شهر رخ می‌دهد. یافتن ویژگی‌های یک «نیمه شبکه» از نظر الكساندر راه رسیدن به سکونت حقیقی را نشان می‌دهد. ویژگی‌های «نیمه شبکه» در نظر او برخلاف ساختارهای درختی، مملو از تنوع و پیچیدگی در ساختارها و ارتباط فعال هر جز با تمام اجزا و واحدهای دیگر است.

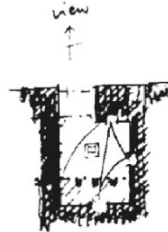
الكساندر با همین نگرش در کتاب «معماری و راز جاودانگی» باور دارد که هم‌سو شدن با طبیعت انسانی و نه کنترل و درختی نمودن همه چیز، کمک می‌کند تا بتوان به سکونتی با کیفیت و جاودان دست یافت. او معتقد است "راه جاودانه جریانی است که نظم را فقط از خود ما بر می‌آورد. این جریان ایجاد کردنی نیست؛ بلکه اگر ما بگذاریم، خودش روی می‌دهد" (الكساندر، ۱۳۹۸). الكساندر معتقد است، سکونت‌گاه‌های انسانی بر روی زمین باید مانند گل‌هایی که در باغ و طبیعت بدون ساختارمندی و کنترل بیرونی می‌رویند، شکل بگیرند. این سکونت‌گاه‌ها در نظر الكساندر "جزئی از طبیعت و جزئی از محیط بلافصلمان" می‌باشند. در نهایت زمانی سکونت حقیقی و جاودان رخ خواهد داد که ما "با نظامی آشنا شویم که رابطه حقیقی میان ما و محیطمان را به ما بیاموزد" (الكساندر، ۱۳۹۸). این‌گونه است که انسان‌ها آمادگی پیدا خواهند کرد تا مانند طبیعت عمل کنند و راه سکونت جاودان را بیابند. دیاگرام‌های تصویر ۵ برخی طرح‌های ذهنی الكساندر را از ساختارهای مطلوب و نامطلوب، مستخرج از کتاب «معماری و راز جاودانگی» وی نشان می‌هد.



A window place



Holes in the wall



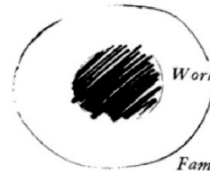
A living courtyard



Dead courtyard



Work and families together



Families

تصویر ۵: برخی از طرح‌های ذهنی الکساندر از ساختارهای مطلوب (در سمت چپ) و نامطلوب (در سمت راست) سکونت (Alexander, 1979, 112-117)

بدین ترتیب با توجه به آن چه گفته شد، می‌توان مولفه‌های سکونت جاودان از منظر کریستوفر الکساندر را در جدول ۶ خلاصه کرد.

جدول ۶: مولفه‌های سکونت از منظر کریستوفر الکساندر (نگارندگان)

مولفه‌های سکونت	صاحب نظر
طراحی طبیعی پرداختن به مولفه‌های اساسی انسان تنوع و پیچیدگی ارتباط فعال هر جز تاثیرگذار با تمام اجزا و واحدهای دیگر هم‌سویی با طبیعت یافتن نظم درونی و پرهیز از کنترل بیرونی رسیدن به رابطه حقیقی میان انسان و محیط	کریستوفر الکساندر

چارلز جنکس<sup>۱۸</sup> از دیگر صاحب‌نظرانی است که در نقد سکونت جبرگرایانه معماری نخبه‌گرا و بی‌توجه به مخاطب ساکن معماری به اعتراض برخاست. او می‌نویسد: "معماری در سنت لوئیس میسوری<sup>۱۹</sup> در پانزدهم ژوئیه ۱۹۷۲ در ساعت ۳:۳۲ بعدازظهر مُرد و این هنگامی بود که طرح مفتضح پروتیت-ایگو<sup>۲۰</sup>، و بسیاری از بلوک‌های زُمخت آن، به وسیله دینامیت تیر خلاص را دریافت کردند" (Jencks, 1997, 9). این پروژه از جمله طرح‌های مدرنیستی بود که جنکس معتقد بود لکوربوزیه بدون توجه به مخاطب و ساکنان آن طراحی نموده است. چارلز جنکس ذیل نگرش پست‌مدرنیستی خود با ارائه نظریه «رمزگذاری دوگانه» معتقد بود دوران آنکه معمار به تنهایی طراحی کند و سپس ساکنین برای سکنی گزیدن فراخوانده شوند به پایان رسیده است. به باور جنکس زمانی سکونت حقیقی رخ خواهد داد که معمار در طراحی فضا در کنار مخاطب و مردم قرار گیرد. به این ترتیب مفهوم سکونت زمانی امکان بروز و ظهور خواهد داشت که مردم در کنار نخبگان در شکل‌گیری معماری و شهر قرار گیرند.

جنکس اندیشه خود را اینگونه شرح می‌دهد: "راه حلی که من به عنوان پست‌مدرن تعریف کردم این بود: نوعی معماری که هم متانت حرفه‌ای داشت و هم خصلت مردمی و به علاوه هم بر تکنیک‌های جدید استوار بود و هم بر الگوهای قدیمی. رمزگان دوگانه به زبان ساده عبارت است از نخبه/مردمی و نو/کهنه و دلایل قانع‌کننده‌ای برای به کار بردن این جفت‌های مخالف وجود دارد" (جنکس، ۱۳۹۴، ۸۲۹). بنابراین سکونتی که جنکس به آن اشاره می‌کند فارغ از ساختارهای از پیش معین شده و قطعی خواهد بود. تکرر برداشتها در این گونه سکونت امری مثبت تلقی می‌گردد. سکونت‌گاه‌هایی که جنکس از آن‌ها دفاع می‌کند "مجموعه‌ای از سبک‌های بصری و زبان‌ها یا رمزگان متفاوت هستند که همزمان به سنت‌های محلی، فرهنگ عامه‌پسند، مدرنیسم بین‌المللی و فن‌آوری فرامدرن اشاره دارند و در عین حال، به هیچ یک از این مولفه‌ها اجازه نمی‌دهند بر مولفه‌های دیگر مسلط شوند. استدلال جنکس این است که معماری رمزگذاری شده متکثر یا این نوع استفاده از آمیختگی و ناهماهنگی، مخاطبان بیشتری پیدا می‌کند" (وارد، ۱۳۹۶، ۳۷). مولفه‌های سکونت از منظر جنکس در جدول ۷ خلاصه شده است.

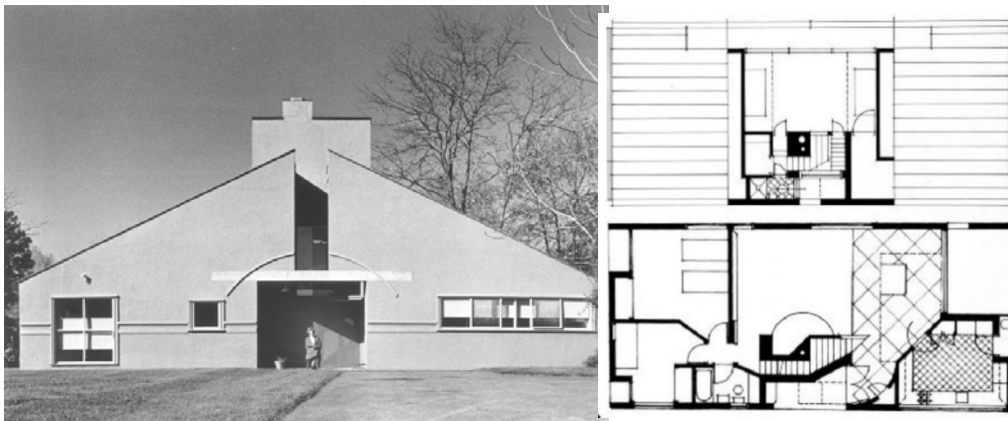
جدول ۷: مولفه‌های سکونت از منظر چارلز جنکس (نگارندگان)

صاحب‌نظر	مولفه‌های سکونت
چارلز جنکس	رمزگذاری دوگانه/ نخبه و عامه، متانت حرفه‌ای و خصلت مردمی توجه به مخاطب ساکن تاثیرپذیری مستقیم از مردم التقاط‌گرایی مثبت/ قرارگیری امور متضاد در یکجا تکررگرایی توجه به سنت‌های محلی توجه به فرهنگ عامه‌پسند آمیختگی و ناهماهنگی

رابرت ونتوری<sup>۲۱</sup> از دیگر معمارانی است که هم‌سو با جنکس و همراه با نقد سکونت‌گاه‌های مدرنیستی به ارائه سکونت از منظر خود می‌پردازد. همچنان که اشاره شد، شولتز در سال ۱۹۸۴ به انتقاد از اصل «تبعیت شکل از کارکرد»<sup>۲۲</sup> سالیوان<sup>۲۳</sup> پرداخت، درحالی که رابرت ونتوری پیش‌تر این کار را با ارائه نظریه پیچیدگی و تضاد در مقابل شعار «کمتر بیشتر است»<sup>۲۴</sup> میس وندروهه<sup>۲۵</sup> کرده بود (Venturi, 2002).

ونتوری از معماری و سکونت غیر سرراست در مقابل معماری و سکونت سرراست دفاع می‌کند و همچنین راه‌حل خود را برای ایجاد فضایی برای سکونت حقیقی با طرفداری از مفهوم «هم‌این، هم آن» در مقابل نگاه «یا این، یا آن» ارائه می‌دهد. ونتوری در کتاب «پیچیدگی و تضاد در معماری»، ذیل مفهوم سطوح متضاد پدیده «هم‌این-هم‌آن» در معماری می‌نویسد: "سنت «یا این-یا آن» مشخصه معماری مدرن ارتودوکس<sup>۲۶</sup> بوده است: یک حفاظ آفتابی احتمالاً هیچ چیز دیگری نیست، یک تکیه‌گاه به ندرت یک حصار است، نقش‌های پیش‌بینی شده در برنامه به گونه‌ای اغراق‌آمیز به جناح‌ها یا پویون‌های تفکیک شده تقسیم شده‌اند. چنین تظاهراتی از تفکیک و روشنی با معماری پیچیدگی و تضاد، که بیش‌تر مایل است «هم‌این-هم‌آن» را جذب کند تا این که «یا این-یا آن» را طرد

نماید، بیگانه است" (ونتوری، ۱۳۹۴، ۷۳۱). ونتوری رسیدن به سکونت حقیقی را در گرو رد نگاه جبرگرایانه در معماری می‌داند و معتقد است سکنی‌گزیدن نیاز به طراحی فضایی همراه با پیچیدگی و تضاد است و خالی شدن معماری و ساده شدن آن به مکعب‌های شیشه‌ای نمی‌تواند فضایی مناسب جهت سکونت انسان پدید آورد. او در تلاش خود برای حذف نخبه‌گرایی از جنکس فراتر می‌رود. "ونتوری مثل جنکس به ایجاد سبکی ناب و قراردادی علاقه‌ای ندارد، بلکه از ارزش‌هایی حمایت می‌کند که بر اساس آن‌ها بناها و ساختمان‌ها طبق سفارش و نیازهای مشتری و متناسب با شرایط محلی ساخته می‌شوند. او از معماران می‌خواهد که تزئینات را از لحاظ هنری اشتباه ندانند و در عوض، به تنوع روش‌هایی که افراد به وسیله‌ی آن‌ها از محیط خود معنا اخذ می‌کنند، احترام بگذارند. ونتوری معتقد است هدف از طراحی ساختمان باید بیشتر، ارتباط و معنا باشد و نه تکامل و کارایی. او از سنت‌های ساختمان‌سازی محلی و معمولی الهام می‌گیرد" (وارد، ۱۳۹۶، ۴۲) بنابراین ونتوری به نوعی سکونت، همراه با فضایی دموکرات و آزاد، همراه با آشفتگی، پیچیدگی و به هم‌ریختگی زندگی‌بخش اشاره می‌کند. تحقق اندیشه ونتوری را می‌توان در «خانه وانا ونتوری»<sup>۲۷</sup> دید. در اینجا حتی نام‌گذاری خانه نیز به نوعی به فرهنگی عامیانه نزدیک‌تر است تا فرهنگی نخبه‌گرا. اگر این خانه با خانه‌هایی که ونتوری نقد می‌کند، مانند خانه شیشه‌ای فیلیپ جانسون یا خانه فارنزورث میسون دروهه مقایسه شود، می‌توان پیچیدگی و در عین حال توجه به نگاه عامیانه به خانه را تشخیص داد. این تضاد در طراحی پلان‌ها نیز کاملاً مشهود است. سقف شیروانی اولین المانی است که عامه مردم از خانه در ذهن خود می‌سازند.



تصویر ۶: دو پلان و نمای خانه وانا ونتوری (Adelyn, 2010).

به این ترتیب می‌توان مولفه‌های سکونت از منظر ونتوری را به اختصار در جدول (۸) بیان نمود.

جدول ۸: مولفه‌های سکونت از منظر رابرت ونتوری (نگارندگان)

مولفه‌های سکونت	صاحب‌نظر
توجه به پیچیدگی و تضاد	رابرت ونتوری
جاگذاری مفهوم «هم این، هم آن» به جای «یا این، یا آن»	
انعطاف‌پذیری	
حذف نخبه‌گرایی	
احیاگرایی	
تاریخ‌گرایی	
بافت‌گرایی در اشکال سنتی	
توجه به سفارش و نیازهای مشتری	
توجه به شرایط محلی	

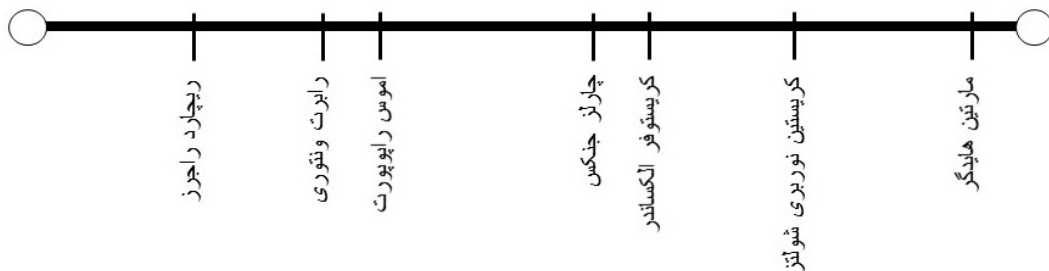


توجه به تزئینات در جهت معنا بخشی به مکان  
توجه به ارتباط و معنا  
آشفتگی و بهم ریختگی زندگی بخش  
توجه با حالات نوستالژیک و سبک های گذشته

## ■ جمع بندی و تحلیل یافته ها

همان طور که در ابتدا گفته شد، سکونت مفهومی فراگیر است. از این نظر در حوزه معماری کمتر صاحب نظری را می توان یافت که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به سکونت نپرداخته باشد. در این بین با توجه به اندیشه های صاحب نظران که پیش تر مورد مذاقه قرار گرفت می توان این آرا و نظرات را در طیفی از مباحث «مفهومی/نظری» تا «کالبدی/ عملی» جانمایی کرد. در تصویر ۷ با توجه به آرای صاحب نظران و مولفه هایی که از این آرا استخراج شده، هر صاحب نظر در طیفی مابین مباحث «مفهومی/ نظری» تا «کالبدی/ عملی» قرار گرفته است.

مفهومی/ نظری کالبدی/ عملکردی



تصویر ۷: مرتبه بندی اندیشه های صاحب نظران در حوزه سکونت (نگارندگان)

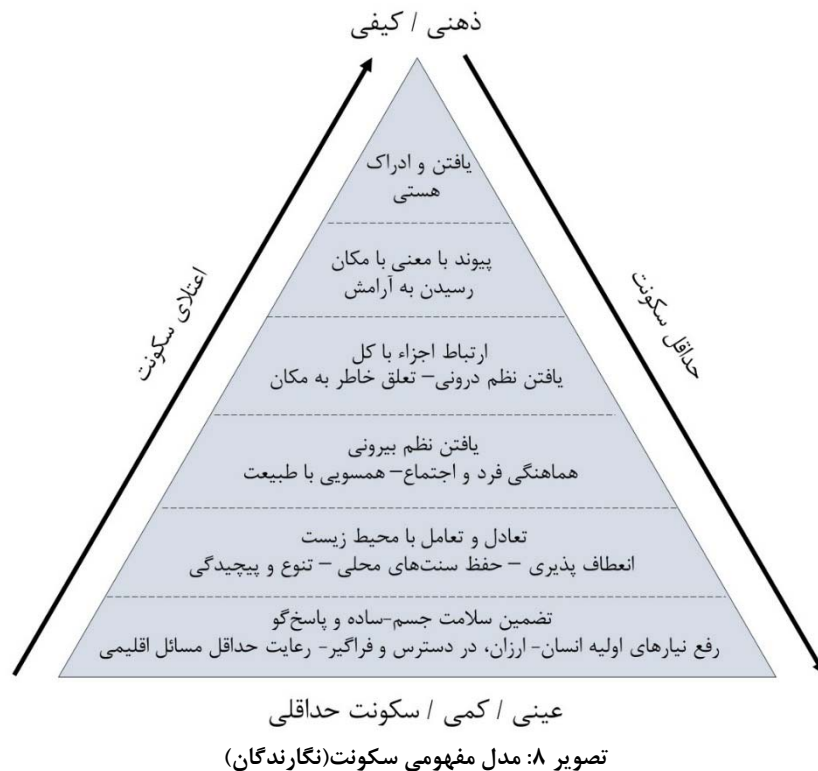
به نظر می رسد مفاهیم مرتبط با سکونت نه تنها به صورت خطی نمی باشند بلکه آن چنان از پیچیدگی و گستردگی برخوردار هستند که نمی توان به طور قطعی درباره تمامیت آن نظر داد. زمانی که به مفهوم سکونت از منظر هایدگر پرداخته می شود باید توجه داشت که «معنا» در فلسفه وی که در اتصال با پدیدارشناسی است معانی را در حوزه ذهنی انسان تفسیر می نماید. در نظر وی سکونت ابتدا ذهنی و سپس عینی و کالبدی رخ می دهد. این تفسیر نشان می دهد سکونت با آنکه در نهایت به اموری همچون مسکن، کالبد، فرم و ... ختم می شود، می تواند فارغ از این ها در ذهن انسان نیز رخ دهد. این نگرش را شولتز با کلید واژه هایی همچون «فضای وجودی» در نظریات خود وارد می نماید. شولتز هم راستا با هایدگر سکونت را فراتر از مباحث کالبدی می داند و باور دارد روابط فرد با دیگران و تعامل او با غیر خود و همچنین ادراک هستی خود از خود، عاملی تاثیر گذار بر کیفیت سکونت است. در نظریات الکساندر و جنکس می توان تعابیر معماری بیشتری را شاهد بود. اما همچنان الکساندر با ارائه نظریه شهر به عنوان «نیمه شبکه» و معماری به عنوان کشف «رازی جاودانه» به منظور رسیدن به سکونت مطلوب می پردازد که حاصل طبیعت انسانی و فرآیند تغییر و تحول وی است. بنابراین الکساندر سکونت را در زمینه انسانی و سپس تبلور آن را در معماری و شهرسازی دنبال می نماید. پس از آن، جنکس بر روی نحوه تعامل انسان و محیط و طراحی سکونت گاه های انسانی ذیل فرآیند طراحی، اندیشه های خود را بنا می کند. بنابراین جنکس به نوعی میان مفاهیم و تحقق آن در کالبد و فرم معماری از طریق انسان به عنوان صاحب نظری میانه در این طیف پیوند برقرار می کند. جنکس باور دارد برخلاف نگاه مدرنیستی و نخبه محور در فرآیند طراحی سکونت گاه های انسانی باید به سمت تعامل

بیشتر میان معماران و مخاطبان پیش رفت. او معتقد است که محیط نمی‌تواند برای طراح مفعول محض و برای مخاطب فاعل محض باشد، بلکه تعامل متناسب میان طراح، مخاطب و محیط می‌تواند به سکونتی با کیفیت ختم شود. پس از جنکس، راپاپورت با تکیه بر ویژگی‌های معماری و فرهنگ بومی، سکونت را تعریف می‌نماید. راپاپورت سکونت را از طریق کشف و مطالعه معماری شکل گرفته شده دنبال می‌نماید و سعی می‌کند با بررسی کالبدی معماری هر منطقه به فرهنگ و مفاهیم مرتبط با سکونت در آن منطقه دست یابد. بنابراین به نوعی خلاف صاحب‌نظرانی همچون هایدگر و شولتز سکونت را از راه جست‌وجو و بررسی مصادیق معماری می‌یابد و تبیین می‌کند. رابرت ونتوری نیز اگرچه در حذف نخبه‌گرایی در کنار جنکس قرار می‌گیرد اما عمدتاً در آثار معماری خود به دنبال رسیدن به نوعی از سکونت است. سکونت در نظر ونتوری پیوندی با تصورات پیشینی مخاطبان خود دارد و سعی می‌کند از طریق تاریخی‌گری و نمادگرایی و توجه به باورهای عامه به سکونتی نوستالژیک دست یابد. ریچارد راجرز نیز با تکیه بر مباحث پایداری و رسیدن به تعامل انسان و زیست‌کره به دنبال سکونتی هم‌سو با طبیعت است. راجرز در حوزه معماری عمدتاً با اشاره به تجربیات خود به دنبال ارائه معماری بود که کمترین استفاده را از منابع طبیعی داشته باشد. این‌گونه سکونت تلاش می‌کند تا علاوه بر بهره‌مندی انسان امروز از منابع سکونتی، راهی را پیشنهاد نماید تا آیندگان نیز از حق سکونت بهره‌مند شوند.

### ■ نتیجه‌گیری و ارائه مدل مفهومی سکونت

با توجه به یافته‌ها و تحلیل‌های انجام شده مدل مفهومی که در تصویر ۸ ارائه شده است به عنوان مبنایی جهت تبیین سکونت و مراتب آن پیشنهاد می‌شود. طبق این مدل مراتب سکونت از نیازهای کمی و عینی آغاز و در نهایت به عالی‌ترین نیازهای انسانی که مضامینی کیفی هستند ختم می‌گردد. هرچه از بالا به پایین حرکت شود مضامین ساده‌تر و ابتدایی‌تر و هرچه از مراتب پایین به سمت مراتب متعالی‌تر حرکت شود نیازها و مولفه‌ها پیچیده و چند بعدی می‌گردند.

در اینجا مضامینی همچون توجه به سلامت انسان در سکونت، پاسخ به نیازهای اولیه زیستی، ارزان بودن سکونت از نظر اقتصادی، سادگی، فراگیری و در دسترس عموم بودن نوع سکونت، به عنوان حد ابتدایی سکونت مطلوب در نظر گرفته شده است. در ادامه موضوعات کیفی‌تر مانند تعامل میان انسان و محیط زیست، توجه به فرهنگ و سنت‌های یک جامعه، ارتباط میان فرد با جامعه، نظم درونی و بیرونی و ایجاد تعلق خاطر به مکان سکونت مطرح می‌گردند. نهایتاً سکونت حقیقی و متعالی زمانی محقق می‌شود که آدمی می‌تواند پیوندی بامعنا را با مکان تجربه کند و در آن به آرامش برسد. این‌گونه است که انسان در هستی خود سکنی می‌گزیند، هستی خود را در پیوند با درون و بیرون از خود ادراک می‌کند و سکونت حقیقی و متعالی تحقق می‌یابد.



نکته مهمی که در اینجا باید به آن اشاره نمود این است که زمانی که از انسان و پاسخ به نیازهای وی سخن به میان می‌آید منظور نوع انسان است و نه انسانی که صرفاً در حال حاضر بر روی کره زمین ساکن است. به عبارت دیگر از اساسی‌ترین مولفه‌های سکونت مطلوب آن دسته از مولفه‌ها است که علاوه بر پاسخ به نیازهای انسان امروزی توجه خود را به زمینه‌سازی امکان سکونت مطلوب برای نسل‌های بعدی نیز معطوف می‌دارد.

نکته مهم دیگری که در اینجا باید به آن اشاره نمود این است که شاید در نگاه اول مراتب سکونت در این مدل مفهومی ارتباط مستقیمی با یکدیگر نداشته باشند اما با کمی دقت می‌توان دریافت که همه این مولفه‌ها با هم پیوندی پیچیده و ناگسستنی دارند و پله‌هایی هستند که بدون یکدیگر نمی‌توانند زمینه‌ساز تعالی سکونت آدمی شوند. به عنوان مثال تعامل و ایجاد هماهنگی میان انسان و طبیعت می‌تواند زمینه‌ساز آرامش آدمی و بازگشت به خود حقیقی گردد و این رابطه زمینه‌ساز پیوند ذهنی و تعلق خاطر انسان با محیط پیرامونش شود. این تعلق، زمینه هم‌سویی و وحدت میان انسان و مکان می‌گردد و نهایتاً انسان در آینه هستی مکان، هستی خود را می‌یابد. از طرفی اگر انسان نسبت به محیط پیرامون خود تعلق خاطر داشته باشد، طبعاً میزان مسئولیت‌پذیری وی نسبت به محیط پیرامونش نیز بیشتر خواهد بود و این امر باعث تعامل بیشتر او با محیط زیست می‌شود. این توجه باعث حفظ محیط زیست به عنوان تنها منبع بشر برای پاسخ به نیازهای اولیه آدمی خواهد شد.

در آخر باید به این موضوع اشاره شود که «سکونت» امری پیچیده و فراتر از آن چیزی است که بتوان به راحتی درباره آن سخن گفت. گاهی اوقات اتفاقات کوچک در زندگی انسان در مقیاس فردی و اجتماعی باعث دگرگونی‌های بزرگ در کیفیت سکونت آدمی می‌شوند که تبیین و دسته‌بندی آن‌ها از توانایی صاحب‌نظران خارج است. همانطور که الکساندر اشاره می‌کند شهر امری درختی نیست که بتوان تمام آن را کنترل و سپس آن را پیش‌بینی کرد. زندگی و در ادامه آن سکونت انسان در این‌جا نیز امری درختی نیست و نمی‌توان برای آن

برنامه‌ریزی قطعی نمود و سپس طبق ساختاری استاندارد با آن برخورد کرد. اما این بدین معنا نیست که نمی‌توان کیفیت سکونت را تعالی بخشید. کارل پوپر فیلسوف اتریشی می‌گوید "ما راه خوشبخت کردن آدم‌ها را نمی‌دانیم ولی می‌توانیم ضعف و رنج چاره‌پذیر را از میان ببریم" (مگی، ۱۳۹۴، ۲۲۴). بنابراین اگرچه نمی‌توان از سکونت مطلوب به معنای مطلق آن سخن گفت اما از طریق مدل‌های مفهومی و راه‌حل‌های نظری و عملی می‌توان بحران‌های بسیاری را که در کیفیت سکونت امروز انسان‌ها تاثیر دارند، از میان برداشت و زمینه سکونت متعالی را برای آدمی به ارمغان آورد.

## پی‌نوشت

<sup>1</sup>Martin Heidegger

<sup>2</sup>Christian Norberg-Schulz

<sup>3</sup>Sir Crispin Tickell

<sup>4</sup>Richard Rogers

<sup>5</sup>Edmund Husserl

<sup>6</sup>Phenomenology

<sup>7</sup>University of Freiburg

<sup>8</sup>Jean-Paul Sartre

<sup>9</sup>Maurice Merleau-Ponty

۱۰. دازاین (به آلمانی: Dasein) واژه‌ای آلمانی است که به «برجاستی» (آلمانی: da-آنجا؛ sein-بودن یا هستی) ترجمه شده‌است.

این واژه در فارسی در بیشتر موارد ترجمه نمی‌شود و به همان صورت دازاین آورده می‌شود. دازاین در انگلیسی هم اغلب «Existence» ترجمه شده‌است.

<sup>11</sup>Amos Rapoport

<sup>12</sup>Samoa dwelling

<sup>13</sup>Richard Rogers

<sup>14</sup>Renzo Piano

<sup>15</sup>Christopher Alexander

<sup>16</sup>Le Corbusier

<sup>17</sup>Semi-lattice

<sup>18</sup>Charles Jencks

<sup>19</sup>St. Louis, Missouri, US

<sup>20</sup>Pruitt-Igoe

<sup>21</sup>Robert Venturi

<sup>22</sup>Form Follows Function

<sup>23</sup>Louis Sullivan

<sup>24</sup>Less is More

<sup>25</sup>Ludwig Mies van der Rohe

<sup>26</sup>Orthodoxy

<sup>27</sup>Vanna Venturi House

## فهرست منابع

- اسمیت، دیوید وودراف. (۱۳۹۳). *دانشنامه فلسفه استنفورد: پدیدارشناسی*. ترجمه: مسعود علیا. تهران: ققنوس. (۱۹۹۴).
- اصلانیان، یاشار و ذبیحی، حسین و رهبری‌منش، کمال. (۱۳۹۹). *ساختارشناسی مفهوم رضایت‌مندی مسکن با رویکرد فلسفه پدیدارشناسی (نمونه موردی، خانه قاجاری شیخ‌الاسلام و چند مجتمع مسکونی در زنجان)*. مطالعات هنر اسلامی، ۱۶(۳۷)، ۲۸-۴۶.
- پیانو، رنزو. (۱۳۹۷). *نافرمانی معمار*. ترجمه: خسرو افیلیان. تهران: انتشارات آهنگ قلم. (۱۹۳۷).

- جنکس، چارلز. (۱۳۹۴). *پست مدرنیسم چیست؟* در لارنس کهون (گردآورنده). *متن‌هایی برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم*. (۴۵، ص ۸۳۸-۸۲۸). تهران: نشر نی.
- حیدری، شاهین. (۱۳۹۵). *درآمدی بر روش‌های تحقیق در معماری*. تهران: کتاب فکر نو. (۲۰۰۲).
- راپوپورت، اموس. (۱۳۹۵). *انسان‌شناسی مسکن*. ترجمه: خسرو افیلیان. مشهد: کتابکده کسری. (۱۹۲۹).
- راجرز، ریچارد. (۱۳۹۸). *شهرهای پایدار برای سیاره‌ای کوچک*. ترجمه: خسرو افیلیان. مشهد: کتابکده کسری. (۲۰۰۸).
- کرمی، رضا و حسین پور، احسان. (۱۳۹۹). *خانه واسطه‌ای برای رسیدن به آرامش*. نشریه علمی مطالعات پژوهشی در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی، (۶۰)، ۲۰۷-۱۸۲.
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۳). *شهر درخت نیست*. ترجمه: فرناز فرشاد و شمین گلرخ. تهران: آرمانشهر. (۱۹۳۶).
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۸). *معماری و راز جاودانگی*. ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: انتشارات روزنه. (۱۹۳۶).
- کشفی، محمدحسین و جواهرپور، حسام و کشفی، محمد علی. (۱۳۹۳). *بررسی مبانی فلسفی «سکنی‌گزینی» از دیدگاه پدیدارشناسی، با تکیه بر ارزش‌های اسلامی ایرانی*. فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ۱۴(۵۱)، ۸۰-۵۵.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. (۱۳۹۴). *روش‌های تحقیق در معماری*. ترجمه: علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (۲۰۰۲).
- مگی، برایان. (۱۳۹۴). *سرگذشت فلسفه*. ترجمه: حسن کامشاد. تهران: نشر نی. (۱۹۳۰).
- میتروویچ، برانکو. (۱۳۹۸). *فلسفه برای معماران*. مترجم: احسان حنیف. تهران: انتشارات فکر نو. (۱۹۶۱).
- نوربرگ-شولتز، کریستیان. (۱۳۸۹). *معنا در معماری غرب*. ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. (۱۹۷۵).
- نوربری-شولتز، کریستیان. (۱۳۹۶). *مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی*. ترجمه: محمود امیری یاراحمدی. تهران: نشر آگه. (۱۹۸۵).
- وارد، گلن. (۱۳۹۶). *پست مدرنیسم*. ترجمه: قادر فخرنجبری و ابوذر کرمی. تهران: نشر ماهی. (۲۰۰۳).
- ونتوری، رابرت. (۱۳۹۴). *پیچیدگی و تضاد در معماری* در لارنس کهون (گردآورنده). *متن‌هایی برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم*. (۴۰، ص ۷۳۸-۷۲۸). تهران: نشر نی.
- یزدانفر، سیدعباس و پرتوی‌فر، افروز. (۱۳۹۹). *حفظ هویت با رویکرد پایداری اجتماعی در حوزه‌ی مسکن آینده*. مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری، ۳(۲)، ۳۶-۲۲.
- Adelyn. Perez. (2010). *AD Classics: Vanna Venturi House / Robert Venturi*. Retrieved Octobre 2. 2022. from <https://www.archdaily.com/62743/ad-classics-vanna-venturi-house-robert-venturi>.
- Alexander. Christopher. (1979). *The Timeless Way of Building*. New York: Oxford University Press
- Alexander. Christopher. (2015). *A city is Not a Tree*. Portland: Sustasis Press.
- Heidegger. Martin. (2001). *Poetry, Language, Thought*. (Albert Hofstadter, Trans.). New York: Harper Perennial Modern Classics. (Original Work Published 1971). New York: Harper & Row.
- Jencks, Charles. (1977). *The language of post-modern architecture*. United State: Rizzoli.
- Mitrović. Branko. (2011). *Philosophy for Architects*. New York: Princeton Architectural Press.
- Norberg-Schulz. Christian. (1985). *The concept of dwelling: On the way to figurative architecture*. Milan: Rizzoli.
- Norberg-Schulz. Cirtian. (1968). *Intentions in Architecture*. United State: MIT press.
- Rapoport. Amos. (1969). *House Form and Culture*. United State: Prentice-Hall.
- Rogers. Richard. (1997). *Cities for a small planet*. Great Britain: Faber and Faber.
- Sharr. Adam. (2007). *Heidegger for Architects*. USA and Canada: Routledge Taylor & Francis Group.
- Tickell. Crispin. (1997). *Introduction of Cities for a small planet* In Richard Rogers. *Cities for a small planet*. (Introduction. pp. vi-xi). Great Britain: Faber and Faber.
- Venturi. Robert. (2002). *Complexity and Contradiction in Architecture*. New York: Harry N. Abrams.